

مهار آموزش‌ها به شیعه عصر بویه به وسیله سلجوقیان

• دکتر محمدرضا شهیدی پاک
عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکز

چکیده

از ویژگی‌های بارز تمدنی و فرهنگی عصر بویهی استمرار و گسترش و آموزش ایرانی اسلامی و آغاز تأسیس نهاد آموزش است. مدارس، که تکامل مراکز آموزشی ایران در دوره آل بویه است، به وسیله‌ی وزرای ایرانی عصر سلجوقی توسعه پیدا کرد. آثار ابن سینا که ثمره‌ی حرکت آموزش ایرانی - اسلامی از آغاز پیدایش دول مستقل ایرانی پس از فتح ایران به دست اعراب بود، به وسیله‌ی سلجوقیان از نظام آموزش اسلامی حذف شد. وجه اهمیت ابن سینا در نظام آموزشی بویهی، دیدگاه‌های خاص آموزشی و تربیتی و تدوین طرحی براساس فلسفه‌ی محض جهانی بود. کتاب‌های درسی متناسب با علایق سیاسی و فرهنگی و مذهبی سلاطین سلجوقی و مخالف با مصالح دولت شیعی بویه‌یان تولید شد. سؤال این است که چرا با وجود الگوهای ماندگار علوم، که محصول نهاد آموزش ایرانی است، روند تکاملی علوم تجربی و عقلی متوقف شد. مقاله‌ی حاضر به کارکرد دولتی آموزش عصر بویهی - سلجوقی و علل و زمینه‌های رکود آن پرداخته است.

واژگان کلیدی: آل بویه، فلسفه‌ی جهانی، غزالی، بغداد، ابن سینا، دارالعلم

مقدمه: محدوده‌ی جغرافیایی، توسعه‌ی فلسفه و هدف آموزشی

پیدایش آل بویه

آل بویه، دیلمیان (۴۴۸-۳۲۰ هـ) سلسله‌ای از امراء شیعی دیلمی در فارس، بغداد، ری، اصفهان، همدان، کرمان و خوزستان حکومت کردند؛ زبان آن‌ها دیلمی و علماء و مورخان و شاعران بزرگی چون طبری، رازی، ابن العمید منسوب به دربار آن‌ها بودند. تسامح و آزادی از ویژگی‌های خاص سلسله‌ی آل بویه است که در عصر تعصب و خشونت خلافت عباسی علیه مخالفان، دربار آل بویه را محل توسعه‌ی علوم تجربی و فلسفی و محل تجمع دانشمندان در عرصه‌ی علوم مختلف نمود. در مخالفت آل بویه با سیاست‌ها و مصالح تسنن بغداد، آل بویه سرانجام با سلطه بر خلافت بغداد، نخستین مؤسسات پیشرفته‌ی آموزش عالی را در پایتخت بغداد مانند دارالعلم شاپور و دارالعلم مفید تأسیس کرد.

به طوری که می‌توان فلسفه‌ی وجودی آل بویه را توسعه و ریشه‌دار ساختن آموزش‌های علمی و فلسفی و کلامی در کنار گسترش مبانی تشیع دانست، این آموزش‌ها در بستر آموزش‌های شیعی صورت گرفت. زیرا سلسله‌ی آل بویه ایرانی و شیعه بودند، از این رو سنت کلام اشعری در آن‌ها نفوذ نداشت. سنتی که مذهب کلامی حاکم بر خلافت عباسی و شیوه‌ی رسمی مدارس نظامیه در عصر سلجوقیان بود و حکومت بویهی را در ایران پایان دادند. بویه‌یان با رواج آزادی فکر، فرآیند رنشد پژوهش‌های علمی و فلسفی را تسهیل کردند و نخستین پایه‌های توسعه‌ی آموزش اسلامی در عصر بویهی برداشته شد. ممارست آن‌ها در شیوه‌ی علمی و فلسفی و عقل‌گرایی کمک بزرگی به همه‌ی فعالیت‌های فلسفی و علمی در اثنای سه دهه‌ی آخر سده‌ی دهم میلادی در عراق است (سارتن، ج ۱، ص ۶۴۸) با این وصف، عصر آل بویه عصر اوج استمرار و گسترش آموزش‌های ایرانی و نقطه عطف فعالیت‌های علمی نخستین سلسله‌های مستقل ایرانی پس از ظهور اسلام است و عمده‌ترین دستاورد آل بویه، تولیدات فلسفی و فرهنگی و علمی و آغاز طرح مراکز آموزشی است. این پدیده در حالی که می‌توانست از طریق بغداد در سراسر جهان اسلام گسترش پیدا کند، نیرویی بود که خلافت بغداد آن را به وسیله‌ی سلجوقیان کنترل کرد.

بویه‌یان و وضعیت آموزشی سیاسی ایران هنگام اشغال ایران به وسیله‌ی سلجوقیان

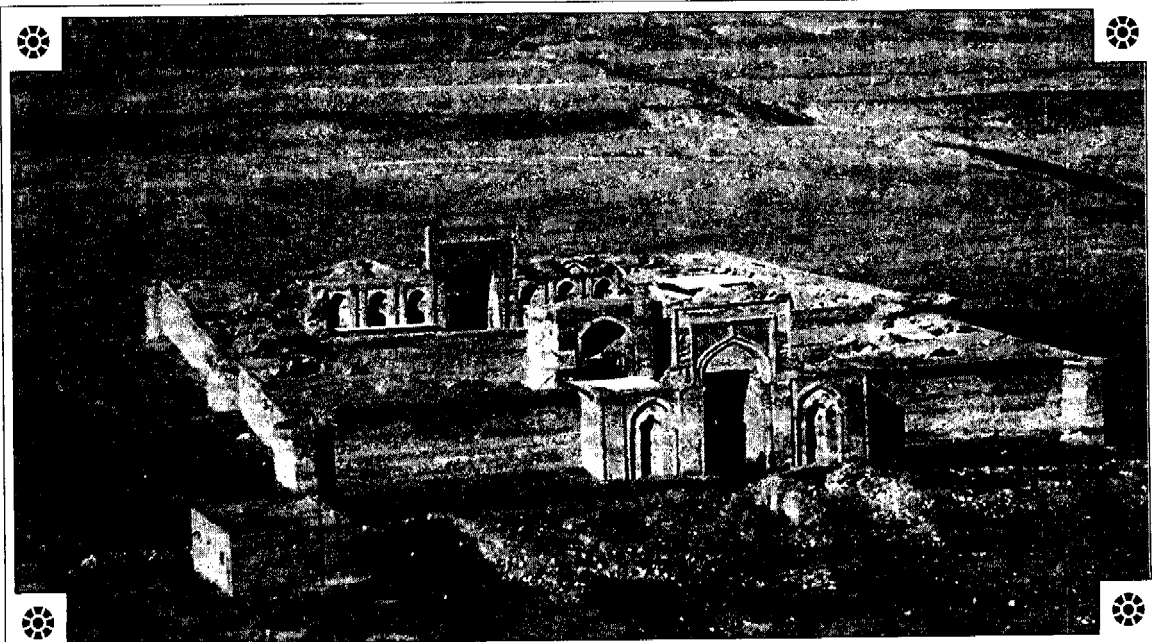
ایران در آغاز قرن چهارم هجری، شاهد اوج پیشرفت در امر آموزش بود. ری،

می‌توان فلسفه‌ی وجودی آل‌بویه را توسعه و ریشه‌دار ساختن آموزش‌های علمی و فلسفی و کلامی در کنار گسترش مبانی تشیع دانست، این آموزش‌ها در بستر آموزه‌های شیعی صورت گرفت

عصر بویه

بوده‌اند جد ایشان سلجوق فرزند تقاق مقرب دربار شد و لقب سبانی گرفت. او از بیم خیانت سلطان ترک راهی دیار مسلمانان شد و اسلام اختیار کرد و در صد سالگی درگذشت. (نخجوانی، ص ۲۲۵) راحة‌الصدور از آل سلجوق به خوبی یاد کرده است و می‌گوید آن‌ها سپاهی کامکار بودند مال بسیار و حشمی فراوان با نظام وحدت و شوکت تمام... مردمانی دیندار. نشان اقبال ایشان از غفلت دور بودند و اجتناب از دار کفر و میل مجاورت به دارالاسلام نمودن و زیارت خانه کعبه و تقرب به ائمه دین پیشه گرفتن. (راوندی، ص ۸۶ و ۸۷) فرزندان سلجوق در ادامه راه پدر به بلاد عجم روی آوردند و هریک از بلادی را که از خود سستی و ضعف نشان می‌داد، تصرف می‌کردند (ابن طقطقی، ص ۳۹۴) این اثیر در ضمن حوادث سال ۴۲۹ هـ.ز تجاوز و فساد طغرل در خراسان خبر داده است. او آغاز حرکت سلجوقیان را از برخورد تقاق با شاه بزرگ ترک بیغو که منجر به صلح شد، خیر داده است که به دنبال آن سلجوق فرزند تقاق با استفاده از همین موقعیت به دربار شاه ترک راه یافته است، افزایش قدرت سلجوق، شاه ترک را به خیانت وادار نمود و موجب مهاجرت سلجوق و عشیره‌اش به

رامهرمز، شوشتر، قم، شیراز، اصفهان، فیروزآباد، بغداد، در عصر بویی شاهد مدارس علمی و مراکز آموزش‌های پیشرفته دارالعلم و کتابخانه‌ها در عرصه‌ی علوم عقلی و تجربی بود. مهم‌ترین فرد آل‌بویه عضدالدوله (۵۲۳/۹۸۳م) همواره اهل کلام، قضات، زبان‌شناسان، پزشکان، ریاضی‌دانان و اهل جیل [مکانیک] را پیرامون خود گرد می‌آورد. (اشپولر، ۵/۲)، آموزش پسران و دختران به یکسان در مراکز آموزشی ایران از جمله در شوشتر صورت می‌گرفت (همان، ← Keremre.C.G.H Bvf) پیشرفت پزشکی عصر بویی در ساخت بیمارستان‌های آموزشی و تخصصی، که بودجه‌ی آن‌ها از وقف تأمین می‌شد، در ادامه‌ی الگوی جندی‌شاپور در عصر ساسانی است. استمرار آموزش‌های شیعی عصر بویی در دوره‌ی سلجوقی، در کتاب ابوالفتح رازی از جمله در قم و ری گزارش شده است. (شهیدی پاک: ۱۳۸۷، ص ۱۲۰). وظیفه سلجوقیان مهار نیروی آموزشی علمی تشیع بویی در ایران بود، لذا از سوی خلافت عباسی مأمور اشغال ایران شدند. داستان پیدایش سلجوقیان به این شرح است: سلجوقیان طایفه‌ای از ترک‌های خزر که سالیانی دراز در خدمت شاهان ترک



رباط شرف، ۴۵ کیلومتری شهر سرخس، دوره‌ی سنجر سلجوقی

نفوذ قدرت دستگاه دولتی سلجوقی بوده است. ابوالرجاء قمی در این باره گفته است: «عمر دولت آل سلجوق به دندان سوسمار ماند که هرگز نیفتد. ملوک متقدم چون بُ زلال بودند که با دولت سلجوقی تا قیام‌الساعه رونق و طراوت خواهد داشت. (قمی، ص ۱۲۹) مراکز عمده آموزشی ایرانی شیعی در عصر بویه - سلجوقی چهار نقطه عمده خراسان، (مرو بلخ نیشابور و هرات که یاقوت در معجم از این چهار شهر به‌عنوان مهم‌ترین مراکز علمی آن عصر یاد کرده است)، ری، اصفهان، قم، موصل، دمشق است. راحة‌الصدور از خراسان که آموزش‌های آن بر محور بارگاه امام رضا (ع) رواج داشت، آموزش‌هایی که استمرار آموزش عصر بویه بود به‌عنوان قبله علوم در عصر سلجوقی نام برده شده و سبکی از مرو را به‌عنوان مهم‌ترین مرکز آموزشی در خراسان نام برده است. راوندی می‌نویسد: «... و در عهد سنجر خراسان مقصد جهانیان شد و منشاء علوم...» و سبکی در طبقات الشافعیه الکبری می‌گوید: و خراسان عمدتها مئانن اربعه کائما هی قوائمها المبنیه علیها و هی مرو، نیشابور، بلخ، هرات، و مرو بهترین شهر آن است چون گاهی می‌گویند: خراسانی‌ها و به جای آن می‌گویند المرأوزه که از هر دو یک چیز اراده می‌شود و آن خراسان است.

ریشه‌های ایرانی نهضت مدرسه در عصر بویه و استمرار آن در نهاد دولتی مدرسه سلجوقی

نهضت مدارس در جهان اسلام نشانه‌ی شکوفایی روند آموزش در شرق جهان اسلام در قالب جریان ایرانی - اسلامی علوم است. پیشگام این جریان از آغاز ایرانیان بودند. بنیاد گرفتن مدارس از مهم‌ترین ثمرات تکامل تدریجی نظام آموزشی مسلمانان در قرن چهارم و پنجم هجری عصر بویه - سلجوقی است. منولیان آموزش اسلامی وزرای ایرانی بودند که ریشه در عصر بویه داشتند و از مناطق و محدوده حکومتی بویه‌یان بودند. نظام‌الملک طوسی نهضت مدارس را، که چند دهه پیش از او در خراسان در چند مراکز آموزشی عالی شبه مدرسه آغاز شده بود، در ایران چنان سامان داد که به صورت یک فعالیت رایج فرهنگی درآمد. به‌طوری که دولت‌های معاصر خواجه و دولت‌های بعد از او، جهت کسب افتخار و امتیاز مدرسه‌سازی را در سرلوحه خدمات خود قرار دادند. راوندی در منقبت آل سلجوق از مدرسه‌سازی آن‌ها یاد کرده است. و آن‌را از سعادت این دولت دانسته که به تأسیس مدارس روی آوردند. الفخری آن دولت را دولت (ابن طقطقی، ۲۳، ۶۲) شگفتی‌ها خوانده است. که از جمله مهم‌ترین شگفتی‌های مهم در این دولت، روند گسترده‌ی مدرسه‌سازی است. درخشش نظام‌الملک ایرانی در رأس این پدیده فرهنگی به‌عنوان کارگزار ایرانی

بلاد اسلام و تغییر مواضع او گردید ابن اثیر (ابن اثیر، ج ۶، ص ۹۹) در این مورد می‌گوید: «و سمع سلجوق الخبر فسار بجماعته کلهم و من یطیعه من دارالحرب الی دارالاسلام بالایمان و مجاوره المسلمین». او از این پس جنگ با ترکان را پیشه‌ی خود ساخت و مدافع مرزهای بلاد سامانیان شد. از طرفی محمود غزنوی و سپس مسعود غزنوی که به قدرت آل سلجوق پی برده بودند، بارها تلاش کردند تا آن‌ها را به اطاعت خود در آورند، اما به‌دفعات مکاتبات آن‌ها و پیمان و امان نامه‌هایی را که صادر کرده بودند، نقض و بی‌اعتبار می‌ساختند، شمشیر در میان آل سلجوق می‌نهادند و جماعتی از آن‌ها را کشته و اسیر می‌کردند. از قضای روزگار، سلطان غزنوی چنان به غزو هند مشغول شد که از قدرت سلجوقی به کلی غفلت نمود و آن‌ها هم با استفاده از این فرصت نیروی تازه جمع کردند و به قتل و غارت و پیشروی در خراسان ادامه دادند. سرانجام طغرل موفق شد بخشی از بلاد عجم را در خراسان تصرف کند. غفلت غزنویان، که ارباب رأی هم به آن‌ها هشدار داده بودند، راه را برای ورود سلجوقیان به صحنه‌ی قدرت اسلامی باز کرد. ابن اثیر از این مطلب یاد می‌کند و می‌گوید: «ارباب رأی به مسعود گفتند: «ن قلّه‌ المبالاه بخراسان من اعظم سعاده السلجوقیه» بالا گرفتن بساسیری در بغداد و ضعف آشکار خلافت سنی باعث شد که خلیفه بغداد از قدرت طغرل برای خاموش ساختن فتنه بساسیری کمک بگیرد. طغرل دعوت خلیفه را اجابت کرد. و با سپاهیان‌ش به بغداد آمد و بساسیری را از بغداد بیرون کرد و رونق دوباره‌ی خلافت را سبب شد. «قدرت سلجوقیان تثبیت شد و سلطنت آن‌ها از همین زمان توسط خلافت به رسمیت شناخته شد» (ابن طقطقی، ص ۳۹۴)

مراکز آموزشی عصر بویه - سلجوقی و توسعه ایران بویه

توسعه جغرافیای دولت سلجوقی به‌وسیله توسعه آموزش ایرانی و به‌وسیله عناصر ایرانی صورت گرفت. محدوده جغرافیایی این دولت در بهترین بیان توسط خواجه آمده است در جایی که از او سؤال می‌شود چرا اجرت مداحان را به انطاکیه برات نموده است؟ چون تا انطاکیه سه ماه راه است. می‌گوید برای این که به کسانی که وسعت آن ملک بر آن‌ها معلوم نیست، معلوم شود که طول و عرض ملک سلطان از کجا تا کجاست. (راوندی، ص ۱۲۸) و نیز ملک‌شاه وقتی «لاذقیه در ساحل دریا سجده شکر بجا آورد از برای آن که ملک او از اقصای ششرق تا به کنار دریای مغرب رسیده است. (نخجوانی، ص ۲۳۴) نویسندگان عصر سلجوقی که وسعت ملک سلجوقی و استحکام آن‌را و دوام آن‌را دیده‌اند بیاناتی گاه مبالغه‌آمیز دارند که نشانه‌ی سیطره و گستردگی دایره‌ی

مهم‌ترین تحول در مورد فلسفه و کلام در این دوره تهذیب فلسفه ابن‌سینا و فلسفه اصیل اسلامی کامل فلسفه از کلام است. نمونه‌های بسیاری از مبارزات کلامی در برابر اندیشه فلسفی که باعث این تهذیب شد در متون تاریخی آمده است

عصر بویه

وزراء هستند. از جمله شاخص‌ترین این موارد باید به مدارس شریایی اشاره کرده که در شهرهای مختلف به‌وسیله‌ی اقبال الشیرازی (۱۶۵۳ هـ -) سالار سپاه عباسی که دوستدار علم بود، تأسیس شد. او در عراق و در حجاز مدارس بنا کرد. در بین شخصیت‌ها و بانیان نهضت مدارس در عصر سلجوقی چند تن از جمله غزالی پیشگام و مهره اصلی این حرکت آموزشی بوده‌اند.

تلاش غزالی حامی سلجوقیان برای مهار ابن سینا وزیر بویه

غزالی نماینده فرهنگ و مبین فرهنگ حاکم و راجع در این دوران و نافذترین و گسترده‌ترین و عمیق‌ترین پدیده‌ی فرهنگی دوره‌ی سلجوقی و پرچمدار حرکت سلجوقیان برای مهار آموزش‌های شیعی آل بویه است. بدون شناخت غزالی چهره‌ی آموزشی این دوره کاملاً مبهم خواهد ماند. پدیده‌ی غزالی مجموعه‌ی پیچیده، عکس‌العمل متقابل همه‌گرایش‌ها و آئین‌ها و مذاهب فقهی و حدیثی از قرن دوم هجری تا پنجم هجری است. غزالی آغازگر مبارزه کلاسیک با فلسفه و عقلگرایی در جهان است که اندیشه‌ی او با کارکردهای متفاوتی در عناصر مختلف فرهنگ و تمدن اسلامی وارد شد. لذا بدون تجزیه و تحلیل دقیق عمیق و همه‌جانبه فکر غزالی، امکان درک درست فرهنگ آموزشی در این دوران محال است. سند این مدعا اولاً حضور و وجود تاریخی غزالی در متن تحولات سیاسی آموزشی دوره‌ی سلجوقی و به‌عنوان مفتی بزرگ دارالحکومه سلجوقی است، که بزرگ‌ترین کارگزاران این دولت را تحت نفوذ مسلم خود داشته است و در موارد متعدد برای مهار تشیع در غرب و شرق جهان اسلام ماهیت خود را آشکار کرد. دوم این که وجود آثار کتبی غزالی است که در ده‌ها مجلد کتاب به‌جا مانده است. جریانی که غزالی در مخالفت با فلسفه، که می‌توانست زمینه‌ی استمرار و توسعه تشیع در جهان اسلام باشد، به‌راه انداخت در نظامیه‌ها و سپس در مراکز آموزشی جهان اسلام توسعه یافت. شخصیت همکار و تهیه‌کننده‌ی زمینه‌های اداری و آموزشی قدرت علمی غزالی، خواجه نظام‌الملک طوسی نخست‌وزیر دولت سلجوقی است. بدون شناخت شخصیت و فکر خواجه که از ارکان اصلی و محور مستقل تصمیم‌گیری و عامل رشد و توسعه فرهنگی در عصر سلجوقی بوده است، شناخت روند آموزشی این دوره ممکن نیست. فرد دیگری که زمینه‌های رواج افکار غزالی را فراهم ساخت، جوینی ایدئولوگ و نویسنده متون درسی تسنن است که در نقطه عطف آغاز چالش مذهبی‌ای قرار دارد که منجر به پیروزی سیاست دینی خواجه نظام‌الملک گردید. او اولین مبین مبانی فقهی و کلامی اسلامی است که در دوره‌ی سلجوقی ثبت و انتشار یافت. او به‌عنوان

دولت سلجوقی، نقطه اصلی شباهت این حرکت فرهنگی، با حرکت فرهنگی در دوره‌ی حاکمیت اعراب و در سده‌ی دوم هجری است، حرکت علمی در دوره حکومت‌های مستقل ایرانی، سامانی، طاهری، صفاری و بویه به‌دست وزرا و علمای ایرانی بود، در دوره سلجوقی نیز به پرچمداری ایرانیانی که ثمره تربیت دوره‌ی بویه بودند، آغاز شد. یعنی هم در آغاز حرکت علمی آموزشی مسلمین در مراکز آموزشی در آغاز خلافت عباسی و نیز در این درخشش عظیم و نقطه‌ی عطف آموزشی عصر بویه - سلجوقی یعنی تأسیس مدارس، طراح و مدبر و مجری ایرانیان هستند. توجه دقیق‌تر به این نکته نشان می‌دهد که فرهنگ و تمدن ایرانی در زیر پوششی از قدرت عربی و سپس عربی - ترکی در دوره‌ی بویه و سپس سلجوقی هم‌چنان زنده و بیدار به حرکت خود ادامه داده است و علت این بیداری تأسیس نظام آموزش کلاسیک بدست ایرانیان است. مدرسه‌ها میوه‌های این حرکت فرهنگی ایرانی بویه است که در عصر آل بویه ثمرات مهمی به بار آورده است. ایرانیان روند سازمان آموزشی مسلمانان را به اوج تکامل خود رساندند و در ادامه‌ی تکامل مکتب‌خانه و مسجد و دارالعلم‌های عصر بویه، نهادی را به وجود آوردند که پاسخگوی نیازهای متفاوت و پیچیده آموزشی مسلمین در قرن پنجم هجری بوده است. مدرسه مرکزی شد که عالی‌ترین سطوح آموزشی مسلمین در آن ایجاد گردید. الگویی که از این مرکز به‌وسیله نظام الملک ارائه شد. تا چندین قرن در سراسر جهان اسلام مورد پیروی قرار گرفت. و به همین شکل از غرب جهان اسلام به اروپا راه یافت و سرمشق دانشگاه‌های بزرگ اروپا از جمله دانشگاه سالرنو ایتالیا، قدیمی‌ترین مرکز علمی اروپا قرار گرفت. سبکی از متبع قرار گرفتن کار «مدرسه‌سازی» نظام الملک توسط اقشار مختلف سخن گفته است. «اقتدی به الناس فی بناء المدارس» (سبکی، ج ۲، ص ۲۵۵) روند تقلید از حرکت فرهنگی مدرسه‌سازی سراسر جهان اسلام را فراگرفت. مراکز هیمنام با نظامیه‌ها و مدارس به نام امراء و والیان و سلاطین و مردم خیر از هر قشر، در شهرهای کوچک و بزرگ بوجود آمد. این مدارس همزمان با نظامیه‌ها فعال بوده‌اند. برخی از این مدارس توسط دانش‌آموختگان نظامیه اداره می‌شده است. اگر بنای اولین نظامیه را به سال ۴۵۶ (یعنی نظامیه نیشابور) بگیریم، باید انتهای کار نظامیه‌ها را بنا به گزارشی که در مورد نظامیه اصفهان وجود دارد، که تا سال ۹۶۲ هـ فعال بوده است، قرار دهیم. (کسائی، ص ۲۲۸) و نیز مدرسه نظامیه هرات و نیشابور که تا اواخر دوره‌ی آل کرات گزارش‌هایی از آن وجود دارد. به هر حال گویا این مدارس تا نیمه دوم قرن دهم فعال بوده است. در ادامه و در کنار نهضت مدارس نظامیه، ما شاهد حرکت‌های وسیع از این گونه توسط امراء و سلاطین و

از ویژگی‌های بارز تمدنی و فرهنگی عصر بویه استمرار و گسترش و آموزش ایرانی اسلامی و آغاز تأسیس نهاد آموزش است

عصر بویه

نهضت مدارس در جهان اسلام نشانه‌ی شکوفایی روند آموزش در شرق جهان اسلام در قالب جریان ایرانی - اسلامی علوم است. پیشگام این جریان از آغاز ایرانیان بوده‌اند

عصر بویه

جلوگیری از علم‌زدگی جامعه اسلامی در آن زمان می‌دانند. چون نفوذ فلسفه یونانی زمینه سکولاریسم را ایجاد می‌کرده است. بنا به این نظر، در حقیقت غزالی با ایستادن در برابر فلسفه در برابر نفوذ علما و سکولاریسم ایستاده است. اهمیت غزالی با حذف فلسفه از ساحت علم کلام و بهره گرفتن از منطق در تشدید مبانی کلامی خویش است. و علت اهمیتی که او برای منطق قائل شد تنها از این بعد است که بتواند علم کلام را برای دفاع از عقاید خودش مبتنی بر منطق پایه‌ریزی کند. علم کلامی مستقل از هر گونه فلسفه و آزاد و سرسپرده به اهداف غزالی را پدید آورد. مهم‌ترین ابتکارات کلامی که وارد متون کلامی شد و بعد مورد پژوهش و آموزش قرار گرفت، مسائلی از قبیل: ۱- بحث امکان شناخت خداوند. ۲- تعیین محدوده معرفت. ۳- بحث در کلام. ۴- بحث رؤیت خدا. ۵- بحث اسماء و صفات الهی. از نقاط برجسته در این بحث‌ها، بحث رویت است که نشان می‌دهد هنوز اشعریان در بند رویت جسمانی هستند، اسفراینی باقلانی و جوینی آشکارا از رؤیت جسمانی سخن گفته‌اند، تنها ابتکار غزالی که گاهی به پیش است تعریف جدیدی از رؤیت است، برای نجات اندیشه اشعری به نام «رؤیت بلاکیف» (غزالی، ج ۱، ص ۱۲۵) رؤیت بی‌چگونگی هنوز در قید رؤیت جسمانی است که حاکی از شکست عقل‌گرایی در کلام اسلامی است. تأکید بر براهین قلبی پرورش صوفیانه در اثبات وجود خداوند از اهمیت براهین عقلی و حسی و تجربی در نزد آن‌ها کاست. به هر حال در بررسی رئوس نظریات کلامی غزالی و فخر رازی و اشعریان بعد از آن‌ها ملاحظه می‌کنیم، که در اندیشه‌ی اشعریان هم‌چنان زمینه‌هایی وجود دارد که آن‌ها را به دور از عقل‌گرایی و منسب و مجسبه بخوانیم. و مذهب اشعری علیرغم این که ادعا شده است مذهب و بسط است اما در واقع به علت مخالفت با عقل‌گرایی هیچ‌گاه از چهارچوب گرایش به ظاهر رها نشدند، به طوری که برخی از بزرگان در آن عصر هنوز ایشان را مشبه قلمداد کرده‌اند. (خوارزمی، در مفاتیح العلوم مذهب اشعری را از مذاهب مشبه خوانده است (خوارزمی، ص ۲۷). نتیجه رواج کلام و استقلال آن، فزونی یافتن متون درسی در زمینه‌ی علم کلام شد. که این متون معمولاً به صورت جدلی و در پاسخ و نقد طرف مقابل بوده است. افول عقل‌گرایی در جهان اسلام معلول مخالفت غزالی با فلاسفه و ممانعت او از گسترش آزاد فلسفه بوده است. این افول، انحطاط فکری مسلمین را به دنبال خود داشت. لذا گفته‌ی زائخو حرف درستی است که اگر غزالی نبود امروز جهان اسلام پرچمدا. کاروان علم بودند و کبرنیک و کیلر و گالیله از بین مسلمانان پدید آمده بود. (زرین کوب - ص ۱۱۹)

فقیهی بزرگ که از جلسه درس او ائمه بزرگی بیرون آمدند. که از ارکان دولت سلجوقی در آغاز راه شدند، نقش تعیین‌کننده در روند آغازین تحولات اوائل حاکمیت سلجوقیان داشته است.

مقابله با ابن سینا در متون آموزشی

مهم‌ترین تحول در مورد فلسفه و کلام در این دوره تهذیب فلسفه ابن سینا و فلسفه اصیل اسلامی کامل فلسفه از کلام است. نمونه‌های بسیاری از مبارزات کلامی در برابر اندیشه فلسفی که باعث این تهذیب شد در متون تاریخی آمده است. تاریخ الوزرا چندین مورد را ذکر کرده است (قمی، ص ۸۵، ص ۸۷) از جمله اشعری در ذم ابن سینا (د ۴۲۸ هـ) ثمره‌ی آموزش عصر بویه که نوک پیکان حملات متوجه او بوده را آورده است. ابن سینا ایدئولوگ بویه‌یان، نخستین دانشمندی است که دیدگاه‌های کلاسیک در امر آموزش و تربیت دارد و نخستین آثار کلاسیک علمی در فلسفه را تدوین کرده است، آموزش عصر بویه مرهون ابن سیناست، معذک ابن سینا در رأس ملعونین عصر سلجوقی و در شمار کفار خلافت عباسی است. افراد زیادی به دلیل اعتقاد فلسفی در منشورات مورد لعن هستند، زیرا حتی تظاهر به مذهب فلاسفه هم عامل لعن بوده است. (ابن اثیر، ج ۷، ص ۶۰۲) در حوادث هـ ۶۱۳ کامل رکن الدین ابومنصور عبدالسلام بن محمود متهم به فلسفه از سوی پدرش کافر نامیده شد. کتب او را در ملاء عام (ابن اثیر، ج ۷، ص ۵۳۶) سوزاندند و مناظره فخر رازی در فیروزکوه با کرامیان بسیار قابل توجه است. ابن قدوه رئیس کرامیان در برابر فخر رازی می‌گوید: علم ارسطو و فارابی و نظریات ابن سینا را نمی‌دانیم و تنها از سنت نبی دفاع می‌کنیم. حال چرا باید از فخر رازی دشنام بشنویم... این برخورد و مناظره موجب اخراج فخر رازی که به ادله عقلی استدلال و تظاهر به فلسفه می‌کرد، از هرات توسط سلطان غوری گردید. (کامل ابن اثیر، ج ۷، ص ۴۴۰) مخالفت با رکن الدین قلیچ ارسلان چون چیزی اندک از اعتقاد و تمایل به فلاسفه از او دیده شد... (ابن اثیر، ج ۷، ص ۴۶۸) با این برخوردها در طی چنین روندی کلام وسیله‌ای شد در دست گروهی خاص که قادر به استفاده مخصوصی از آن بودند، غزالی در مورد کلام می‌گوید: کلام واژه‌ای خطرناک است و فاسدی برای رفع فاسد دیگر و معرفت حقیقی در کلام نیست. متکلمان پاسانی قلوب عوام می‌کنند. او خود در این راستا کتاب «الحام العوام عن الخوض فی علم الکلام» را نوشت فلسفه در دیدگاه او برای پیروان شریعت زبان آور است. برخی این‌گونه برخورد و مخالفت غزالی با فلاسفه را

حذف فلسفه جهانی ابن سینا از نظام آموزشی اسلامی

حمایت نظامی ترکان سلجوقی و در مراکز آموزشی زنجیره‌ای در جهان اسلام این افکار را به صورت دروسی که قطعیت کلاسیک خود را از این زمان بدست آورد، القاء کرد جدایی علوم دنیایی از علوم دینی شکل کلاسیک خود را از این زمان و در این مدارس و بر بنیاد اندیشه جویی و به‌ویژه غزالی به دست آورد. علم منحصر به فقه و اصول شد و معرفت حقیقی نیز در تصوف منحصر شد. گویی غزالی در نقطه‌ی اوج حمله به علوم دنیوی قرار دارد و گویا وظیفه‌ی جامه‌ی عمل پوشاندن قطعی به اولین موضع‌گیری‌ها در زمینه‌ی جدائی معارف دنیوی از معارف اسلامی را به‌عهده داشت. به‌طور کلی این جریان در بین ائمه شافعی ریشه‌دار است. و نمونه‌های متعدد از تصریح آنان در مخالفت با علوم دنیوی وجود دارد. ابو حیان توحیدی بر این جدایی تصریح آشکار دارد او منطق هندسی طب نجوم و موسیقی و عدد را از حوزه علوم الهی خارج می‌داند.

نتیجه

حذف ابن سینا جهت جلوگیری از این که که آثار جهانی او محور تدوین علوم اسلامی قرار بگیرد و به‌دلیل ترس از گسترش تشیع صورت گرفت زیرا به‌وسیله‌ی متون ابن سینا که محصولاتی جهانی بود که می‌توانست با زبان جهانی فلسفه زمینه‌های گسترش جهانی اسلام و فراگیری تشیع در ایران بزرگ را فراهم سازد. از بین بردن زمینه‌های تساهل بویهی و توسعه علوم که در عصر بویهی در زمینه‌ی عقلگرایی شیعی فراهم شده بود، در نزاع‌های تشیع و تسنن عامل اصلی فروپاشی یکپارچگی و وحدت روح علمی در ایران و سرزمین‌های تحت سلطه‌ی سلجوقی و انقطاع فرآیند تولیدات علمی گردید.

منابع:

- ابن اثیر، محمد، *الکامل فی التاریخ*، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۹.

- ابن طقطقی، الفخری، *بنگاه نشر تهران*، ۱۳۶۰

- اشپور، برتولد، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه میرا احمدی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.

- خوارزمی، محمد، *مفاتیح العلوم*، علمی و فرهنگی تهران ۱۳۶۲

- راوندی، *راحه الصدور*، شرکت سهامی چاپ و نشر کتاب، تهران، بی تا.

- زامباور، ادوارد، *نسب‌نامه خلفاء و شهریاران خيام* ۲۵۳۶

- زرین کوب، عبدالحسین، *کارنامه اسلام*، امیر کبیر، تهران، ۱۳۴۸.

- سارتن، جرج، *تاریخ علم*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.

- سبکی، تاج‌الدین *الطبقات الشافعیه الکبری*، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳.

- شهیدی، یاک، *تاریخ آموزش و پرورش در عصر سلجوقی*، جزوه دانشگاه قم، ۱۳۸۷.

- غزالی، محمد، *احیاء علوم الدین*، علمی و فرهنگی تهران ۱۳۶۴

- غزالی، محمد، *کیمیای سعادت*، انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۶۴.

- قمی ابوالرجا، *تاریخ الوزراء*، موسسه علمی و فرهنگی

- کاشانی، *تاریخ دول آل سلجوق*، دار الرائد العربی، مصر، ۱۹۷۴.

- کسائی، نور الله، *مدارس نظامیه*، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۴.

- نخجوانی هندوشاه، *تجارب السلف*، رضائی، اصفهان، بزرگمهر، ۱۴۰۲.

سقوط دولت بویهی به‌وسیله‌ی سلجوقیان وابسته خلافت عباسی، زمینه‌ی دنیای حرکت فکری غزالی علیه ابن سینا را فراهم کرد. و با نابودی عناصر اداری و سیاسی از نظام آموزشی اسلامی، در نظامیه و مراکز عالی آموزشی پس از بویهی موج بزرگی از حملات علیه ابن سینا آغاز شد که ثمرات مخربی برای آموزش اسلامی داشت. غزالی تقسیمات جدیدی از علوم، ارائه داد و از اهمیت فلسفه در آن کاست. زاخاتو و بسیاری از شرق‌شناسان به این حقیقت توجه کرده‌اند گواهی صدق بر حرف زاخاتو را می‌توان در مقایسه‌ی حرف بیکن راجع به ابن سینا و حرف غزالی راجع به ابن سینا، دریافت. غزالی، ابن سینا را کافر قلمداد کرده است و موجی از تکفیر و مخالفت علیه او را در جهان اسلام به راه انداخته است. و رگ حیات عقل‌گرایی را که از ناحیه‌ی ابن سینا و فارابی و... سیراب می‌شد، با تکفیر قاطع آن‌ها قطع کرده است. جای این نظر وجود دارد که غزالی علیرغم گرایش‌های فلسفی به خاطر تشیع ابن سینا و اعتقاد ابن سینا در صواب بودن انتخاب جانشین پیامبر با نص؛ به مقاله ابن سینا برخاسته است که اندیشه‌های او می‌توانست زمینه‌های استمرار حرکت تشیع باشد. بخاست و مجبور به طرح نظامی علیه فلسفه شد. اما بیکن که بعد جهانی و جایگاه فلسفه جهانی ابن سینا در به‌کار انداختن حرکت جهانی دانش بشری آگاه بود، ابن سینا را بزرگترین معلم فلسفه بعد از ارسطو می‌داند و غرب را به فراگیری و بهره‌گیری از نظرات و فلسفه ابن سینا فراخوانده است. (زرین کوب ۱۱۶) غزالی در مخالفت با فلسفه جهانی ابن سینا، در *احیاء العلوم* (غزالی، ج ۱، ص ۴۶ به بعد) به تقسیم‌بندی علوم و بیان حقیقت علم پرداخته است. در این تقسیم‌بندی علوم دنیایی در جایگاه مناسبی قرار نگرفته است. با این تقسیم‌بندی باعث شده است که توجه مسلمین از بخشی بزرگ از علوم بشری به سوی علوم دینی آن‌هم تنها فقه و اصول منحرف و متمرکز شود و علوم تجربی و دنیوی از حوزه‌ی معارف اسلامی خارج شود. او با انتقاد از ریاضیات و منطقیات به بهانه‌ی آن که از آن‌ها آفتابی پدید می‌آید روند نادرستی را در دوری اندیشه‌ی اسلامی از علوم دنیوی بنیاد نهاد. گروه کثیری از پیروان او دیدگاه‌های او را بعد از مرگش ترویج کردند و نظریات او به‌عنوان دیدگاه‌های رسمی دستگاه خلافت در شرق و غرب جهان اسلام متبع واقع گشت.

به هر حال جهان غرب با پیروی از حرف بیکن و امثال او، با ترجمه آثار ابن سینا به زبان لاتین و بهره‌گیری از آثار او توانستند، به مراحل تکاملی وارد شوند و کاروان علم و تمدن بشری تعالی بخشند و از میراث شرق بهره مطلوب ببرند. اما شرق اسلامی خود به‌دلیل مصالح خلافت عباسی، دولت محلی آل بویه که حامی فلسفه سنوی بود، با هجوم بدویان سلجوقی روبه‌رو شد که ثمرات فلسفی بویهی را از بین برد و شرق اسلامی نه تنها نتوانست از آنچه خود در حوزه عوم تجربی و فلسفه کسب کرده بود، استفاده کند، بلکه راه انحطاط و نابودی را پیمود، و به هر حال غزالی نقطه عطف نظریاتی است که از قرن سوم به بعد به مقابله صریح با علوم تجربی و عقلی بشری که نمونه‌ی اعلای آن به‌وسیله ابن سینا تدوین شده بود، برخاستند و آن‌را از حوزه معارف اسلامی خارج ساختند. علوم اسلامی را منحصر به چند موضوع ساختند، غزالی حرف‌های آن‌ها را سامان داد و در شکل آثاری منظم و با

شهر ری

در دوره آل بویه

• حسین صدیقیان^۱

کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

چکیده

یکی از مهم‌ترین شهرهای دوران اسلامی در جهان اسلام و منطقه، شهر ری بوده، از این رو همواره مورد توجه حاکمان سیاسی و نظامی مختلف قرار گرفته و به طور پیوسته بین سران نظامی یا سیاسی مختلف دست به دست می‌شد. با این وجود، طی حکومت آل بویه در ری و مناطق دیگر، چیزی در حدود یک سده شهر از آرامش نسبی و امنیت کافی برخوردار شد. این امر موجبات شکوه و رونق به‌سزای شهر ری و استقرارهای پیرامونی آن را فراهم آورد که خود موجبات بهبود و رونق معیشت مردم، رونق کشاورزی و تجارت و جذب زیاد جمعیت بدان شد. با این وجود طی یورش غزنویان به شهر و شکست حاکمان آل بویه و سپس درگیری‌های گسترده‌ی مذهبی، شکوه و رونق ری نیز تقریباً از بین رفت و دیگر هیچ‌گاه تکرار نشد.

اسناد باستان‌شناسی این شهر، که طی کاوش‌ها و بررسی‌های محدود آن به‌دست آمده، تصدیق‌کننده‌ی این موضوع است. علاوه بر به‌دست آمدن آثار و شواهدی چون سکه‌های طلا و نقره‌ی آل بویه و سفال‌های زیبا و منحصر به فرد، طی کاوش‌های باستان‌شناسی، مشخص شده است که استقرارهای پیرامونی شهر مانند روستاهای آن، طی دوره آل بویه از بیشترین تعداد آماری نسبت به دوره‌های دیگر اسلامی، برخوردار بوده‌اند؛ که خود نیز مؤید شکوه ری در این دوره است.

واژگان کلیدی: شهر ری، آل بویه، دوران اسلامی، باستان‌شناسی

تاریخ ری در دوره آل بویه

شهر ری یکی از مراکز بزرگ و مهم دوران اسلامی محسوب می‌شد. به گونه‌ای که از صدر اسلام به بعد، حاکمان و فرمانروایان بسیاری به طمع دست‌یابی و حکومت ری فعالیت‌ها و یا لشکرکشی‌های بسیاری انجام دادند. با روی کار آمدن نخستین سلسله‌های نیمه‌مستقل و مستقل ایرانی نیز، طی مدت زمان کوتاهی، در حدود یک سده، ری و استقرارهای اطراف آن بارها بین حاکمان سلسله‌های مختلف جایجا شد که شامل طاهریان، تورشیان حسن بن زید، صفاریان، سامانیان، ساجیان، آل زیار و سپس آل بویه، می‌شود.^۲

سرانجام شهر ری در سال ۳۳۰ هـ ق توسط رکن‌الدوله و برادرش عمادالدوله دو پسر بویه، تصرف شده و بر حاکم آن یعنی وشمگیر چیرگی یافتند (ابن اثیر: ۱۳۸۲؛ جلد ۱۱، ص ۴۹۳۸). با این وجود در سال ۳۳۳ هـ ق باز ابوعلی محتاج (محتاج) به فرمان نوح بن نصر سامانی راهی ری شد و این شهر را از دست رکن‌الدوله درآورد (ابن اثیر ۱۳۸۲، ص ۴۹۸۸). اما در سال ۳۳۵ هـ ق بار دیگر رکن‌الدوله بر ری چیره شد (ابن اثیر ۱۳۸۲، ص ۵۰۰۸). این شهر سرانجام تا زمان یورش غزنویان در دست این خاندان بوده که دورهای از رونق و شکوه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را برای شهر و مردمان آن به ارمغان آورد.

در طی این دوران، ری تختگاه حاکمان آل بویه شد. هرچند که هزارچندی مورد تهاجم و تصرف قرار می‌گرفت. در سال ۳۴۷ هـ ق وشمگیر موفق شد برای مدت کوتاهی ری را تصرف کند؛ ولی مجدداً شهر به دست رکن‌الدوله بازپس گرفته شد. پس از آن رکن‌الدوله، توانست مستقلاً در اصفهان و ری حکومت کند و به گواهی سکه‌هایی که از او باقی است، وی در قلمرو خویش از قدرت برخوردار بوده است. رکن‌الدوله که آرمان احیای اشرافیت ایران را داشت، نشان یادبود سیمینی در سال ۳۵۱ هـ ق در ری ضرب کرد که بر این نشان تصویر امیرالامرا به صورت امپراتوری ایرانی نقش شده و نوشته‌ی آن به پهلوی چنین خوانده می‌شود: «شکوه شاهنشاه افرون باد (کیانی: ۱۳۷۴؛ ص ۳۷۷)».

در کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی قدیمی نیز آمده است که ری از مهم‌ترین مناطق در دست آل بویه بوده است. به‌عنوان مثال ابن حوقل

مجدالدوله را خلع کند و پسرش را به حکومت ری منسوب کند. بدین ترتیب، در سال ۴۲۰ ه. ق به حکومت آل بویه در ری پایان داده شد (کیانی ۱۳۷۴، همان ۳۷۸).

در زمان حکومت دیالمه، یعنی در قرن چهارم، ری جزو بزرگ‌ترین شهرهای نواحی چهارگانه‌ی ایالت جبال بود، چنان‌که ابن حوقل می‌گوید دستگاه اداری دولت در ری بود. وی که مساحت شهر ری را یک فرسخ و نیم در یک فرسخ و نیم دانسته است، بیان می‌دارد که بعد از بغداد آبادتر از ری شهری در شرق نیست (لسترنج: ۱۳۳۷؛ ص ۲۳۱). در این دوره مهم‌ترین نواحی ری از حیث حاصل‌خیزی عبارت بود از روستای روده، ورامین، پشافویه، قوسین و دیزه با دو ناحیه‌ی قصران، یعنی دو قصر داخلی و خارجی (لسترنج ۱۳۳۷، همان ۲۳۳).

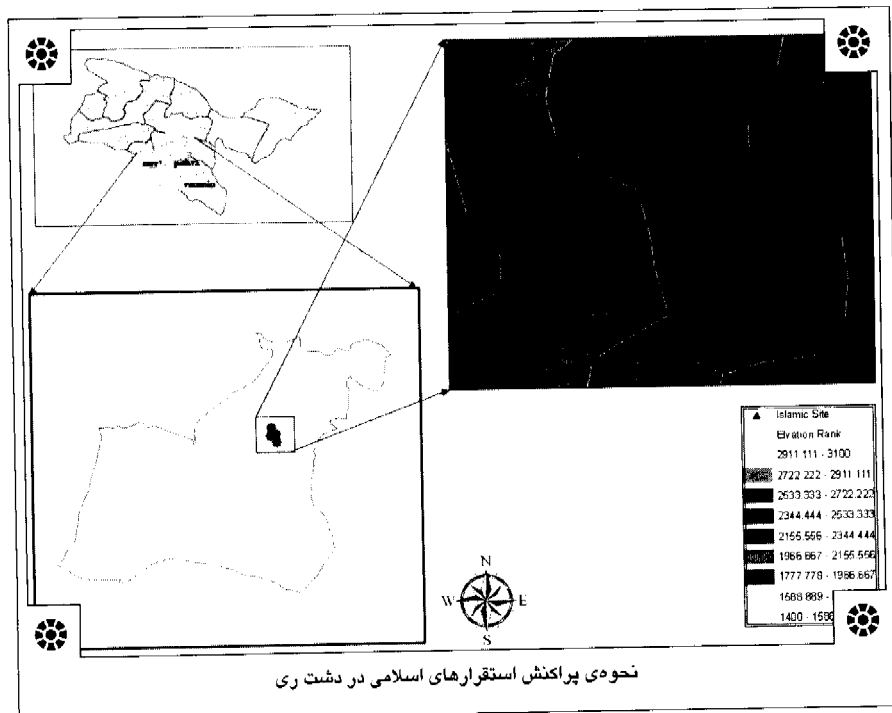
در این دوره هم‌چنین جغرافیایونسان بسیاری از این شهر دیدن کرده و به وصف آن پرداخته‌اند. هرچند که بسیاری از آن‌ها تکرار مطالب گذشتگان است، ولی اطلاعات بسیار ارزنده‌ای از شهر ری در این دوران به دست می‌دهد که شهری آباد با دروازه‌ها و مسجدها و قلعه‌های متعدد و نهرها و کشتزارها و دارای صنعت و پیشه‌وری شکوفا است. از جمله‌ی این منابع می‌توان به *صورة الارض* ابن حوقل (ابن حوقل: ۱۳۴۵، ص ۱۱۶)، *احسن التقاسیم* مقدسی^۲، *البلدان* ابی‌یعقوب^۳ و بسیاری دیگر، اشاره کرد که در فاصله‌ی قرون چهارم ه. ق. تألیف شده‌اند.

ری در این دوران به غیر از آشوب‌های سیاسی و مذهبی، دچار حوادث طبیعی نیز بوده است. از جمله، زمین‌لرزه‌ی سال ۳۴۶ ه. ق که بسیار شدید بوده و باعث ویرانی شهر ری و نیز ۱۵۰ روستای تابعه‌ی آن شد (کیانی ۱۳۷۴، صص ۳۷۷-۸).

در کتابش «*صورة الارض*» که در سال ۳۶۷ ه. ق. نوشته، چنین می‌آورد: «دیوان و دارالاماره جبال در زمان حاضر در ری است؛ زیرا حکمرانان آنجا ابوعلی حسن بن بویه است که در آنجا اقامت و توطن کرده و سراسر آن متعلق به او و به دست اوست و خراجش پس از او به خاندانش می‌رسد (ابن حوقل ۱۳۴۵: ص ۱۱۶)».

پس از رکن‌الدوله، مؤیدالدوله که در اصفهان حکومت داشت، به فرمانروایی ری رسید. پس از مرگ مؤیدالدوله در سال ۳۷۳ ه. ق، صاحب بن عباد وزیر بویه‌یان، فخرالدوله را از خراسان فراخواند و در ری به جای برادر نشاند. فخرالدوله قلعه‌ی قدیمی شهر ری را تجدید عمارت کرد و کاخ‌ها و باروها و بناهای دیگر را بساخت و آن را فخرآباد نامید. در دوران وی، ری روزگار خوشی داشت و ری عتیق و کهن از نو آباد گشت (قدیانی: ۱۳۷۹؛ ص ۹۸). این بخش محل اقامت بزرگان شهر بوده و خانه‌ی صاحب بن عباد وزیر باکفایت آل بویه در این بخش قرار داشته که کتابخانه وی بسیار معروف بوده است. به فرمان صاحب بن عباد، به نام فخرالدوله سکه‌های سیم و زر ضرب می‌شده است (کیانی ۱۳۷۴، همان، ص ۳۷۷).

پس از مرگ فخرالدوله، حکومت ری به پسرانش که کوچک بودند و به سرپرستی مادرشان سیده خاتون، رسید. در دوران فرمانروایی وی آل بویه ضعیف شده بود و حکومت تازه‌ی خراسان، یعنی غزنویان، حکومت آل بویه را در ری تهدید می‌کرد. با مرگ سیده در سال ۴۱۹ ه. ق مجدالدوله صاحب اختیار ری گردید، ولی در سال‌های آخر فرمانروایی خود قدرت چندانی نداشت و به اشتباه برای قدرت گرفتن به سلطان محمود پناه برد؛ و این بهانه‌ای بود که سلطان محمود غزنوی توانست



این شهر در دوران آل بویه یکی از بزرگ‌ترین مراکز تشیع با کلاس‌های درس فراوان بوده و مفسرین و متصفین زیادی از علمای تشیع در آن حضور داشتند. از جمله، محمد بن یعقوب الکلینی و ابو جعفر محمد بن بابویه (قدیانی ۱۳۷۹، ص ۹۹). دلیل این امر شیعه مذهب بودن شاهان بویهی بوده که در ترویج عزاداری برای مصائب آل علی (ع) کوشش بسیاری می‌کردند (قدیانی ۱۳۷۹، ص ۹۸). در این دوران، مذاهب دیگر نیز در ری پیروانی داشتند و علما و بزرگان آن مذاهب در ری از جایگاهی برخوردار بودند. از جمله ابوالحسن علی بن موسی بن نیردار القمی الحنفی است که امام ری بود و در سال ۳۵۰ ه. ق درگذشت. به غیر از سنیان، شافعیان نیز در ری متمرکز بودند. اولین و یکی از بزرگترین فلاسفه و متکلمان اسماعیلی سده چهارم ه. ق، ابو حاتم رازی، در ری به دنیا آمده است (کیانی ۱۳۷۴، ص ۳۷۸).

این شهر سرانجام در سال ۴۲۰ ه. ق. توسط محمود غزنوی غارت شد، بساط حکومت آل بویه در آن برچیده شد و غنایم فراوانی از آن به چنگ سپاهیان محمود افتاد (کیانی ۱۳۷۴، ص ۳۷۹). وی کتابخانه‌ی پُربهای شهر را هم به این بهانه که متضمن فلسفه و مذهب معتزله و اهل نجوم است، به آتش کشید و باقیمانده‌ی کتاب‌های آن را هم که در آن‌ها از این‌گونه سخنان چیزی باقی نبود، به غزنه فرستاد (تکمیل همایون: ۱۳۸۵، ص ۱۵۵).

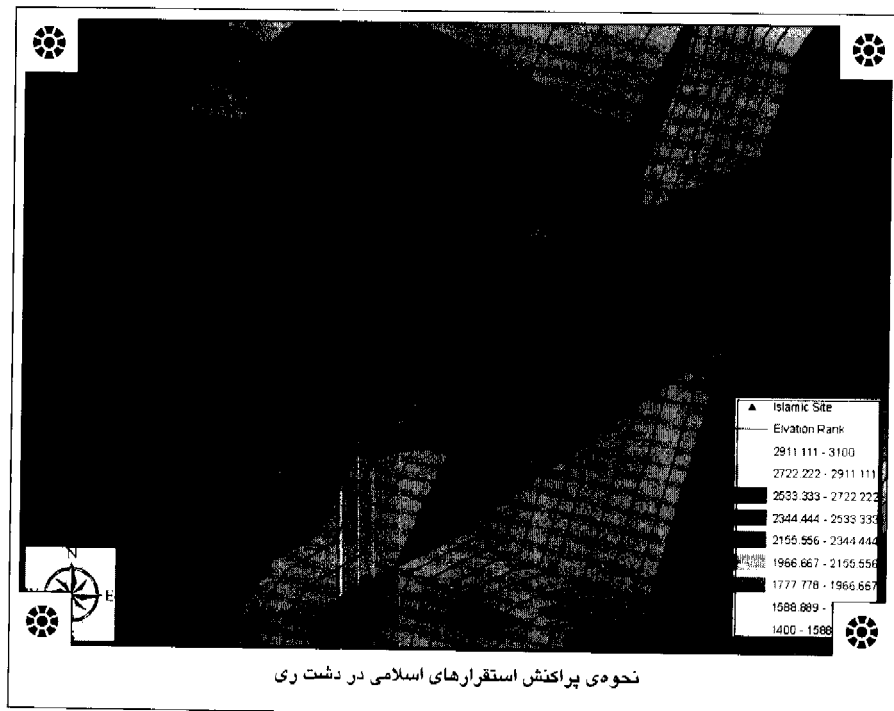
این مورد در ارتباط با استقرارها یا روستاهای تابعه‌ی شهر ری طی دوره آل بویه نیز صدق پیدا می‌کند. متأسفانه اطلاعات ما از استقرارهای مربوط به این دوره‌ی شهر ری بسیار محدود و ناچیز است که یکی از دلایل آن اندک بودن بررسی‌های باستان‌شناسی و هدف‌مند دوران اسلامی این منطقه است. با این وجود طی بررسی‌های باستان‌شناسی محدوده‌ی دشت ری یا تهران که در سال ۱۳۸۸ و به سرپرستی دکتر حسن فاضلی صورت پذیرفت، گروهی نیز از جانب ایشان و به سرپرستی نگارنده، با هدف شناسایی، بازمینی، مطالعه و بررسی استقرارهای دوران اسلامی دشت، به این عنقظه اعزام شدند.

این شهر سرانجام در سال ۴۲۰ ه. ق. توسط محمود غزنوی غارت شد، بساط حکومت آل بویه در آن برچیده شد و غنایم فراوانی از آن به چنگ سپاهیان محمود افتاد (کیانی ۱۳۷۴، ص ۳۷۹). وی کتابخانه‌ی پُربهای شهر را هم به این بهانه که متضمن فلسفه و مذهب معتزله و اهل نجوم است، به آتش کشید و باقیمانده‌ی کتاب‌های آن را هم که در آن‌ها از این‌گونه سخنان چیزی باقی نبود، به غزنه فرستاد (تکمیل همایون: ۱۳۸۵، ص ۱۵۵).

طی بررسی‌های صورت‌گرفته و با توجه به گاه‌نگاری مقایسه‌ای و نسبی سفال‌های این محوطه‌ها^۴ مشخص شد که از مجموع ۴۵ محوطه‌ی دوران اسلامی مطالعه شده، تعداد ۲۹ استقرار (نزدیک به ۷۰ درصد کل استقرارهای اسلامی) آثار و شواهدی مربوط به دوره آل بویه یا قرون ۴ - ۵ ه. ق داشتند، درحالی‌که تنها سه استقرار با شواهد مربوط

باستان‌شناسی ری در دوره آل بویه

متأسفانه با وجود اطلاعات بسیار زیادی که متون تاریخی در مورد شهر ری، طی دوره آل بویه بیان داشته‌اند، اطلاعات باستان‌شناسی ما از این



شهر ری یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین استقرارهای مربوط به دوران اسلامی بوده که از گذشته تاکنون همواره مورد توجه حاکمان، فرمانروایان، سران مذهبی و دینی، تاریخ‌نویسان، سیاحان و جهانگردان بوده است

نظامی و مذهبی قرار گرفته است به گونه‌ای که تنها با گذشت یک سده بارها و بارها بین حاکمان و فرمانروایان سیاسی و نظامی از حکومت‌های مختلف دست به دست گشته است. این امر همواره موجبات تخریبات و درگیری‌های بسیار گسترده را در شهر و استقرارهای پیرامونی آن، فراهم آورده بود. یکی از دورانی که تقریباً رفاه، آسایش و امنیت نسبی با نزاع‌ها و درگیری‌های سیاسی و نظامی کمتری برای شهر و مردمان آن فراهم آمده بود، دوران حکومت فرمانروایان آل بویه در این شهر بود. طی این دوران و با توجه به شهادت متون تاریخی، ری از شکوه و عظمت فراوانی برخوردار شده بود و شهر از رونق تجاری و اقتصادی فراوانی برخوردار شده بود که خود موجبات جذب هر چه بیشتر جمعیت را به داخل شهر و استقرارهای جانبی آن فراهم آورده بود.

این موضوع با توجه به اسناد محدود و قلیل باستان‌شناسی که تاکنون به‌دست آمده نیز تصدیق می‌شود. طی بررسی‌های باستان‌شناسی شهر ری و استقرارهای پیرامونی آن مشخص گردید که دشت ری طی دوره آل بویه یا قرون ۴ - ۵ هـ.ق از بیشترین میزان استقرارها برخوردار بوده که نسبت به دوران قبل و بعد از آن، بیشترین درصد را شامل می‌شود. همچنین مشخص گردید که بیشتر این استقرارها حصارری در پیرامون خود داشته که دلیل اصلی آن ایجاد سیستم اقطاع طی این دوران بود که هر روستا یا بخشی توسط حاکم وقت به زیر دستان خود مثل فرمانروایان و... بخشیده می‌شد که وظیفه جمع‌آوری مالیات، حفاظت و حراست از مردم، به عهده‌ی آنان بود.

منابع

- ابن اثیر، عزه‌الدین (۱۳۸۲): تاریخ الکامل، ترجمه‌ی حمیدرضا آژیر، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن حوقل (۱۳۴۵): صورة الارض، ترجمه‌ی جعفر شمار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- احمد ابن ابی یعقوب (۱۳۴۳): البلدان، ترجمه‌ی دکتر محمدابراهیم آیتی، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- امیری، احمد (۱۳۷۰): گزارش مقدماتی از عملیات جست‌وجو و گمانه‌زنی در دو محوطه‌ی پارک وحدت و پژوهشگاه شهید رجایی شهر ری، سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

به دوره‌ی قبل‌تر و ۲۴ استقرار مربوط به دوره‌ی بعد از آن شناسایی شد. این موضوع در درجه‌ی نخست نشان‌دهنده‌ی شکوه و رونق شهر ری و استقرارهای جانبی آن طی دوره آل بویه بوده است. زیرا طی این دوره، اصلاحات اقتصادی زیادی برای بهبود معیشت مردم، به‌ویژه در زمان عضالدوله دیلمی صورت گرفت و نیز این که شهر ری از اهمیت بسیاری در این دوره برخوردار بوده و جزو بزرگ‌ترین شهرهای منطقه‌ی جبال محسوب می‌شده است (فدایی عراقی: ۱۳۸۳، ص ۵۹). همچنین این امر نشان می‌دهد که بنا به دلایلی، چون زلزله سال ۳۴۶ هـ.ق، درگیری‌های داخلی کشور، فروپاشی دولت آل بویه، درگیری‌های سیاسی، نا امنی راه‌ها و... پس از دوره آل بویه دیگر هیچ‌گاه شهر ری به اندازه‌ی این دوره شکوه و عظمت نیافته و این میزان استقرار در آن پدید نیامد.

طی بررسی‌های صورت‌گرفته، مشخص شد که بیشتر محوطه‌های پیرامونی این دوران دارای آثار و شواهد برج و بارو یا حصار مربع یا مستطیل‌شکل بودند. یکی از دلایل این امر، علاوه بر ناامنی‌ها و درگیری‌های متعدد سیاسی و مذهبی، وجود سیستم ارباب و رعیتی یا اقطاع در منطقه بوده که از دوره آل بویه شروع شده و تأثیر مستقیمی بر ساختارهای این منطقه داشته است. اقطاع معمولاً در عوض حقوق یا پاداش به فرماندهان نظامی یا وابستگان دور یا نزدیک حاکم داده می‌شد (لمبتون: ۱۳۸۵، ص ۲۲۷). افراد یا عمالی را که از طرف مقلعان به مناطق مختلف فرستاده می‌شدند، معمولاً به نام‌های ارباب یا کدخدا می‌نامیدند که اداره‌ی یک بخش یا یک روستا و جمع‌آوری مالیات‌ها را بر عهده داشتند (لمبتون: ۱۳۸۵، ص ۲۳۲). این امر درگیری‌ها و ناامنی‌های همیشگی را در مناطق مختلف تحت نفوذ اقطاع به دنبال داشت که آن نیز در کنار عوامل دیگر شاید باعث ایجاد استقرارها یا بافت‌های روستایی قلعه‌مانند یا حصاردار شده است.

نتیجه‌گیری

شهر ری یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین استقرارهای مربوط به دوران اسلامی بوده که از گذشته تاکنون همواره مورد توجه حاکمان، فرمانروایان، سران مذهبی و دینی، تاریخ‌نویسان، سیاحان و جهانگردان بوده است. از این رو همواره مورد کشمکش‌های بسیار گسترده‌ی سیاسی،

شهر ری

یکی از دورانی که تقریباً رفاه، آسایش و امنیت نسبی با نزاعها و درگیری‌های سیاسی و نظامی کمتری برای ری و مردمان آن فراهم آمده بود، دوران حکومت فرمانروایان آل بویه در این شهر بود

- Lane, Arthur (1957); *Later Islamic pottery Persia, Syria, Egypt & Turkey*. London: Faber and Faber.

- Treptow, Tania (2007); *Daily life ornamented the medieval Persian city of Ray*, The oriental institute museum of the University of Chicago.

پی‌نوشت

1 . Hossein.Sedighian@Gmail.com

۲. باسورث (۱۳۸۵): صص ۸۰-۱۱۸، ص ۹۱ و ۱۰۱؛ کریمان (۱۳۴۹): ص ۱۴۳؛ متحده (۱۳۸۵): صص ۵۳-۷۹، ص ۷۵؛ کبیر (۱۳۸۴): صص ۱۶۷-۱۸۰، ص ۱۷۲.

۳. مقدسی، ابوعب‌الله محمد بن احمد (۱۳۶۱): احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه‌ی دکتر علی قی منزوی، بخش دوم، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

۴. احمد ابن ابی یعقوب (۱۳۴۳): البلدان، ترجمه‌ی دکتر محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۵. امیری، احمد (۱۳۷۰): گزارش مقدماتی از عملیات جست‌وجو و گمانه‌زنی در دو محوطه‌ی پارک وحدت و پژوهشگاه شهید رجایی شهر ری، سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

۶. چوبک، حمیده (۱۳۷۲): گورستان آل بویه ری، آرشئو سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

۷. کاینکها، رابین و دیگران (۱۳۷۹): استقرارهای دوران اسلامی دشت تهران، منتشر نشده.

۸. جهت گانه‌نگاری مقایسه‌ای سفال‌های اسلامی دشت از این منابع استفاده گردید:

- Lane, Arthur (1942); *Early Islamic pottery Mesopotamia, Egypt & Persia*. London: Faber and Faber.

- Lane, Arthur (1957); *Later Islamic pottery Persia, Syria, Egypt & Turkey*. London: Faber and Faber.

- Treptow, Tania (2007); *Daily life ornamented the medieval Persian city of Ray*, The oriental institute museum of the University of Chicago.

- ورونیث، استفان و خلیلی، ناصر (۱۳۸۴): سفال اسلامی؛ مجموعه‌ی خلیلی، تهران: نشر کارنگ.

- مرتضایی، محمد و کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۵): مطالعه و تحلیل سفالینه‌های مشکوفه از کاوش‌های باستان‌شناختی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ محوطه‌ی تاریخی جرجان؛ مجله‌ی علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۱۸۰-۲، دوره ۵۷.

- باسورث، ک.ا. (۱۳۸۵) طاهریان و صفاریان از مجموعه تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان، نوشته عبدالحسین زرین کوب و دیگران، گردآورنده ر. ن. فرای، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.

- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۵): تاریخ اجتماعی و فرهنگی، چاپ سوم تهران، جلد اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- چوبک، حمیده (۱۳۷۲): گورستان آل بویه ری، آرشئو سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

- فدایی عراقی، غلامرضا (۱۳۸۳): حیات علمی در عهد آل بویه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- قدیانی، عباس (۱۳۷۹): جغرافیای تاریخی ری رگا، تهران، آرون.

- کاینکها، رابین و دیگران (۱۳۷۹): استقرارهای دوران اسلامی دشت تهران، منتشر نشده.

- کبیر، مفیض‌الله (۱۳۸۴): زیاریان طبرستان و گزگان از مجموعه‌ی سلسله‌های متقارن در ایران، نوشته‌ی اشپولر و دیگران، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، نشر مولی.

- کریمان، حسین (۱۳۴۹): ری باستان، جلد دوم، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.

- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۴): پایتخت‌های ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- لسترئج، جی (۱۳۳۷): جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه‌ی محمود عرفان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- لمبتون، ا.ک.ا (۱۳۸۵): ساختار درونی امپراتوری سلجوقی از مجموعه‌ی تاریخ ایران کیمبریج، گردآورنده جی.ابویل، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: امیر کبیر.

- متحده، روی (۱۳۸۵): خلافت عباسیان در ایران از مجموعه‌ی تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان، نوشته عبدالحسین زرین کوب و دیگران، گردآورنده ر. ن. فرای، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.

- مرتضایی، محمد و کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۵): مطالعه و تحلیل سفالینه‌های مشکوفه از کاوش‌های باستان‌شناختی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ محوطه‌ی تاریخی جرجان؛ مجله‌ی علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۱۸۰-۲، دوره ۵۷.

- مقدسی، ابوعب‌الله محمد بن احمد (۱۳۶۱): احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه‌ی دکتر علی نقی منزوی، بخش دوم، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

- ورونیث، استفان و خلیلی، ناصر (۱۳۸۴): سفال اسلامی؛ مجموعه‌ی خلیلی، تهران: نشر کارنگ.

- Lane, Arthur (1942); *Early Islamic pottery Mesopotamia, Egypt & Persia*. London: Faber and Faber.